

## کک به تنور

یکی بود، یکی نبود. یک کک بود و یک مورچه. یک روز آمدند نان پیزند، کک افتاد تو تنور و سوخت. مورچه گریه کرد، زاری کرد، دوید تو کوچه، خاک ریخت به سرش. کبوتر او را دید. پرسید: «مورچه خاک به سر، چرا خاک به سر؟!» مورچه گفت: «کک به تنور، مورچه خاک به سر.» کبوتر هم پره‌های دُمش ریخت.

درخت، کبوتر را دید و پرسید: «کفتر دُم بریز، چرا دُم بریز؟!» کبوتر جواب داد: «کک به تنور، مورچه خاک به سر، کفتر دُم بریز.» درخت هم برگ‌هایش ریخت.

چشمه درخت را دید و پرسید: «درخت برگ ریزان، چرا برگ ریزان؟!» درخت گفت: «کک به تنور، مورچه خاک به سر، کفتر دُم بریز، درخت برگ ریزان.» چشمه هم گل آلود شد و به طرف گندمزار رفت. گندم‌ها پرسیدند: «چشمه گل آلود، چرا گل آلود؟!»

چشمه گفت: «کک به تنور، مورچه خاک به سر، کفتر دُم بریز، درخت برگ ریزان، چشمه گل آلود.»

گندم‌ها هم از غصه سر و ته شدند. دهقان، گندم‌ها را دید و پرسید: «گندم سر و ته، چرا سر و ته؟!»

گندم‌ها گفتند: «کک به تنور، مورچه خاک به سر، کفتر دُم بریز، درخت برگ ریزان، چشمه گل آلود، گندم سر و ته.»

دهقان هم از غصه، بیلش را به پشت گرفت و به طرف الاغش رفت. الاغ پرسید: «دهقان بیل به پشت، چرا بیل به پشت؟!»

دهقان جواب داد: «کک به تنور، مورچه خاک به سر، کفتر دُم بریز، درخت برگ ریزان، چشمه گل آلود، گندم سر و ته، دهقان بیل به پشت.»

الاغ عر و عر خندید و گفت: «کک به تنور به من چه؟»

مورچه خاک به سر، به من چه؟  
می‌خندم و می‌خندم، به همی شما  
می‌خندم.» ●



## ترانه

### دیشب که بارون اومد

دیشب که بارون اومد  
تو باغچه، گل در اومد  
رفتم گلش بچینم  
پرپر شد و ور اومد  
رفتم پرش بگیرم  
کفتر شد و هوا رفت  
رفتم کفتر بگیرم  
آهو شد و صحرا رفت  
رفتم آهو بگیرم  
ماهی شد و دریا رفت



## مثل

### زیر گنبد کبود

یکی بود یکی نبود  
زیر گنبد کبود  
پیرزنه نشسته بود  
خره خراطی می کرد  
اسبه عصار می کرد  
شتره نم مال می کرد  
سگه قصابی می کرد  
بزه بزازی می کرد  
گر به بقالی می کرد  
موشه ماسوره می کرد  
بچه‌ی موش ناله می کرد  
فیل اومد آب بخوره  
افتاد و دندونش شکست

## گل زیره

لالا لالا، گل زیره  
چرا خوابت نمی گیره  
که مادر قربونت می ره  
برو لولوی صحرائی  
تو از بچه م چه می خواهی  
که این بچه پدر داره  
و قرآن زیر سر داره

## لالایی

